

❦ نامه‌های شیخ محمد مهدی شرف الدین شوشتری (مر ۱۳۹۴ ق) ❦

به کوشش: عبد الحسین جواهر کلام

اشاره

مرحوم آية الله شيخ محمد مهدی شرف الدین بن شیخ محمد بن ملا جعفر بن ملا باقر بن ملا حسنعلی بن ملا عبدالله بن مولا محمد رضا بن شرف الدین شوشتری است که در حدود چهار صد سال، همه از عالمان معروف و بزرگ شوشتر بودند.

وی در ۱۷ ربیع الأول ۱۲۱۸ ق در شوشترزاده شد. در زادگاهش نزد بزرگانی همچون حضرات آیات: شیخ الاسلام آقا سید بزرگ آل طیب، نوری، و سید علی اصغر حکیم علم آموخت.

سال ۱۳۰۴ به نجف هجرت گزید و نزد بزرگانی به تحصیل ادامه داد. مانند: میرزا حسین نایینی، آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا ابراهیم خراسانی؛

و از گروهی اجازه روایت گرفت مانند: سید هبة الدین شهرستانی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، میرزا محمد تهرانی عسکری، میرزا محمود شیرازی، سید آقا امام شوشتری، شیخ شعبان گیلانی، سید محمد هادی میلانی، شیخ محمد علی اردوبادی، شیخ عباس قمی، و سید محمد مهدی کاظمی اصفهانی. و همچنین از جمعی از دانشوران اهل سنت مانند: سید ابراهیم راوی شافعی، سید خلیل راوی مدرسین جامع سلطانی بغداد.

وی سالها در شوشتر به مردم خدمت کرد و درس دین آموخت. در خلال این سالها، کتاب‌هایی نوشت، مانند: عقاید اسلامیة (ترجمة النکت الاعتقادیة نوشته شیخ مفید)، شرح حال وفای شوشتری، شرفیات (پرسش‌هایی از مرحوم سید هبة الدین شهرستانی) که چاپ شده‌اند.

نیز چند کتاب که تاکنون چاپ نشده‌اند مانند: تاریخ شوشتر (دو جلد، در مورد شخصیت‌های علمی و تاریخی شوشتر)، شهرهای خوزستان، ترجمة فضائل شاذان بن جبرئیل، کشکول، مطالعات و مشاهدات.

از او کتابخانه بزرگ و نفیسی به جای مانده که هم‌اکنون در اختیار فرزند دانشور او شیخ محمد علی شرف الدین است. مکاتبات فراوانی از اهل علم به عنوان استفتاء یا غیر آن در این کتابخانه موجود است که این چند نامه، اندکی از آن مجموعه بزرگ است و به لطف جناب شیخ محمد علی شرف الدین در اختیار ما قرار گرفت. از ایشان سپاسگزاری می‌کنیم.



۱. نامه آیه‌الله سید هبة الدین شهرستانی در تقریظ

کتاب عقائد اسلامیة (ترجمه نکت اعتقادیة

منسوب به شیخ مفید)

بسم الله الرحمن الرحيم

در یک هزار سال پیش و اندکی بیش، لطف الهی شامل حال یک مشت شیعیان آل محمد گشت، و در آنها پیشوایی دانشمند و مصلحی با فرهنگ برانگیخت که آنها را از فشار ذلت به اوج عظمت و فراز حکمرانی و عزت رساند. و نام و نشان آن بزرگوار، «ابوعبدالله الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان» است، یعنی مؤلف این کتاب نفیس که در جلو خواننده جلوه گراست، با دوپست و اندی کتاب دیگر.

نامِ نامی و مقام سامی این مهین پیشوای گرامی به قدری اشتهاور و انتشار یافته که به گوش اکثر مردمان رسیده و آثار حمیده او را دیده و از کتب مفیده او مستفید شده [اند].

این راد مرد اصلاح خواه را مجاهداتی است ادبی و خدماتی است دینی و مذهبی که مورد مدح و ستایش ائمه و علمای امامیه بوده و کراماتی بسزا برای ایشان شمرده اند. و در عهد دانشمند خود، آنچه از بدعت ها و افسانه های دید، یا از خرافات و اوهام می شنید، فوراً با قلم و زبان، به رد و نقد آن کمر همت بسته و حک و اصلاح آنها را با بیانات خجسته خود فرموده.

بدین سبب نوشتجات شیوای این پیشوای بزرگ، پس از هزار سال نیز، مرغوب و محبوب جمله روشنفکران

این دوره و هر دوره بوده. بخوانید کتاب جلیل «تصحیح الاعتقاد» ایشان را، تا بدانید.

و این طرفه کتاب مترجم را که برای کودکان به طور مبادی مدرسی و قرائت درسی تألیف فرموده، آقای علامه المحدثین، فخر المحققین، ثقة الاسلام و ملاذ المسلمین، لسان المتکلمین، امیرزا مهدی شرف الدین (دامت فیوضاته العالیة و إفاضاته المتوالیة) که یکی از دانشورات نامور شوستر و خدام صمیمی شرع انور به شمار است، ترجمه آن را به زبان فارسی شیرینی نموده و بر فوائد مهمه آن فوائد مهمتری افزوده و آن طرفه کتاب را به شرح و تکمله های پرزب و بهای بی انتهای خود، زنده و پاینده فرموده [است].

حق را به مقربان درگاهش که بر توفیقات و تأییدات ایشان بیفزاید، و به بهترین جزای خیری سرافراز فرماید. إنه السميع المجیب.

۹ ربیع الثانی ۱۳۶۶ در مکتبه الجوادین امامین کاظمین [علیهم السلام]

هبة الدین الحسینی شهرستانی

❦ ❦ ❦

۲. نامه سید مصطفی امامزاده

۶ شعبان سنه ۱۳۷۰

جناب ملاذ الأنام، ثقة الاسلام، مروج الأحكام، آقا
 شیخ محمد مهدی شرف الدین (دامت برکاته).
 السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 سلامتی مزاج شریف و متعلقین را از حضرت احدیت
 مسئلت می نمایم.
 تعلیقۀ شریفه پس از انتظاری های زیاد، زیارت و به
 واسطۀ بیماری داری تأخیر در عرض جواب شد.
 اجازه روایتی از آیه الله اصطهباناتی جوف است. سلام
 مخصوص نیز به شما رسانیدند.
 بنا بود قصیدۀ غدیریۀ از مرحوم جدّ امجد با ترجمۀ
 ایشان جهت آقای امینی بفرستید، ظاهراً فراموش شد.
 علیا مخدره والدۀ ماجده را به عرض سلام، مصدّع،
 جناب آقا شیخ محسن را به عرض خلوص، مصدّع.
 در خصوص چهل تومان کلانتر برای آقا سید محمد
 کلانتر، فرمودند: هر وقت وجهی برای اینجانب
 باشد به جناب آقای حاجی سید محمد علی حکیم
 در خرمشهر برسانید که بنویسند به طرف خودشان
 آقای حاجی شیخ نصرالله خلخال، بی معطلی می رسد.
 مرحمت فرموده خط جوف را به آقای غوره داده که
 به صاحبش برسانند. و بفرمایید از سپر بلا مؤمن
 خارکش است. در خاتمه، احترامات فائقه را تقدیم،
 اوامر مطاعه را مترصدّم.

مصطفی الموسوی امام زاده

۱. در اصل نوشته، چنین خوانده می شود.

۳. نامه آیه الله سید محمد مهدی اصفهانی

صاحب احسن الودیعہ

بسمه تعالی

حضور حضرت باهر النور العلامة الأوحدي، آقای آشیخ
 محمد مهدی آل شرف الدین التستری دامت برکاته.
 عمدۀ مطالب و اهمّ مآرب، سلامتی مزاج سرکار عالی
 و اسرۀ کریمه می باشد. رقیمۀ شریفه به توسط
 پست واصل شد. از اظهار لطف عالی یک دنیا متشکر
 هستم. البته معلوم است که حقیر، بعد از خدا و
 ائمه هدی علیهم السلام، در آن حدود، اعتمادی به غیر امثال
 سرکار اجل عالی ندارم، و علی الأخصّ سرکار عالی که
 به منزله نفس خود می باشید. والله علی ذلک شاهد
 و عالم، وهو المطلع علی الضمائر.
 در مسأله ارسال رساله، حضوراً عرض کردم که در
 مطبعه است و حاج محمد حسین مباشر، رساله رجعت
 را بر نفقه خود طبع نموده، و کذلک قرارداد که این
 رساله عملیه را هم طبع کند و پولش را ارسال نماید،
 ولی بیست دینار از بقیۀ اثبات الرجعة و پول این رساله
 عملیه را هنوز نداده و بدین واسطه مطبعه چنان تأجیل
 بقیۀ طبع را می کند. امید که به مجرد اتمام
 و خلاصی آن از مطبعه، چند نسخه ارسال بنمایم.
 و حقیر عرض کردم که بقاء بر تقلید مرحوم
 آیه الله اصفهانی را واجب می دانم. بناءً علی ذلک،
 عمل به رساله ایشان مبره ذمه خواهد بود، ان شاء الله
 تعالی، فلیبلغ الحاضر الغائب.

۴. نامه شیخ آقا بزرگ تهرانی

۲۵ شعبان سنه ۱۳۵۶

بسم الله الرحمن الرحيم

به شرف عرض می‌رساند.

کریمه شریفه که مصحوب فهرست اسماء کتب موجوده در مکتبه عالی است - با ذکر بعض خصوصیات آنها - زیارت شد. به حدی مسرور شدم که به وصف نیامده و به اندازه‌ای ممنون و متشکرم که بیان نشود. ومدتی است می‌خواستم عریضه نگار شوم. اشتغال به مبیضه کردن جلد اول و دوم ذریعه مجال هیچ کاری نمی‌داد. این ایام که جلد دوم هم تمام شد، یعنی حرف الف در این دو جلد به آخر رسید و در جلد سوم باید شروع به حرف باء موخده کرد.

لکن چون بانی این کار، از اول قرارداد که این مقدار همراهی کند که یک جلد یا دو جلدی طبع شود، و اینها که فروش رفت، از وجه آن جلد بعد را طبع کند. و فعلاً چیزی از آنها فروش نرفته که از وجه آن بتواند ثالث را مشغول شود. لذا حقیر فعلاً کاری ندارم و منتظر فرج الهی هستم. بر حسب ظاهر، اسبابی فراهم نیست تا بعد، خدا چه خواهد.

به هر حال، فعلاً که مجال تصدیع شد، دو کلمه مزاحمت می‌کنم. اجمالاً از تمام آنچه مرقوم فرمودید، استفاده‌های زیاد کردم. لکن طمع کردم که استفاده بیشتر شود. لذا چند فقره را زحمت می‌دهم

و اما سبب تأخیر جواب عریضه چند چیز است. عمده آنها گرفتاری حقیر به مسئله فکر نان طلاب و اداء قروض متوالیه که سرکار عالی مطلع اید. و دیگر حسد حاسدین و تحامل بعض معاصرین، کما هو الشأن فی الأزمنة الماضية والقرون الخالية.

و حقیر گمان نمی‌کردم که از ناحیه ایران تا حال، ابداً مساعده‌ای نشود. یک فلس احدی ارسال نکرده، حتی حاج عبدالرزاق تمیزی که به واسطه حضرت عالی آمدند منزل حقیر، و بناء شد که سعی فرمایند، هم تا حال - که غرة شعبان ۶۶ [۱۳] هجری است - ابداً جوابی نیامده و خبری از آن ناحیه نشد.

نمی‌دانم چه کنم با این حمل ثقیل و بار سنگین و قروض زیاد. دیگر بغیر از خدا و ائمه هدی و سرکار عالی توسلی نداریم. نسأل الله الفرج.

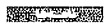
و سبب دیگر در تأخیر که علت تامه است، ارسال اجازه حجة الاسلام آقای آ میرزا هادی خراسانی حائری بوده. منتظر شدم تا برای نیمه رجب به کربلا مشرف شدم، و اجازه را به خط ایشان که نوشته بودند، گرفتم و جوفاً ارسال حضور نمودم.

باری، در کافه اوامر حاضر هستم. آدام الله ایامکم، والسلام منی علیکم. منتظر جواب هستم. عریضه جوف را خدمت آقای حجة الاسلام آقای

آسید محمد حسن آل طیب (دامت برکاته) مرحمت فرمایید، به وسیله بعضی از ملازمین حضور.

الراجی محمد مهدی الموسوی الاصفهانی (عفی عنه).

غره شعبان سنه ۱۳۶۶ هجری.



کوچکی و بزرگی آنها. نظم یا نثر. فارسی یا عربی؟ آنها که قابل تسمیه و کتاب محسوب اند. خوب است معلوم نمایید تا همه آنها در محل خود درج شوند. با آنچه بعد از این ان شاء الله تعالی زحمت خواهید کشید.

و از سایر کتابخانه ها که دسترس دارید، استفاده نموده و ارسال خواهید داشت.

و اما صورت اجازه روایت، چون اشغال زیاد بود، به دیگری زحمت نوشتن دادم؛ ولیکن خودم بعد ملاحظه کردم و بعض تصحیحات شد، و دو سطر آخرش به خط خود احقر است. ان شاء الله مورد قبول خواهد بود. این مدت که ارسال نشد، از باب انتظار آن بود که بلکه موفق شوم و صورت دیگری به خط خودم باشد، بنویسم. لکن می ترسم مجال نشود. لذا فعلاً به همین اکتفا شد. و امید دعا از حضرت عالی دارم، لاسیما در این ایام و لیالی متبرکه. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

من العجاني آقا بزرگ الطهراني (غفرله).



۵. نامه سید عبدالرضا مرعشی شهرستانی

۲۷ / ۴ / ۵۸ [قمری] - ۲۵ / ۳ / ۱۸ [شمسی]

بسم الله وله الحمد

به شرف عرض اقدس عالی می رساند

ان شاء الله وجود مبارک به سلامت و عین عافیت مصون و مقروء بوده باشید، و از جمیع آفات و بلیات

که مجدداً مراجعه نمایید، فارسی و عربی آنها را صریحاً مرقوم دارید، و موضوع بحث هر کتابی را نیز مرقوم دارید. مثلاً:

- مفاتیح القیوب. معلوم نشد که در چه فن است؟ اخلاق است یا عرفان و تصوّف است. یا فن معقول است. صور نفوس نقطویه یعنی چه؟ مراد چیست؟
- شبستان نکات. چه نوع نکات را مشتمل است؟ و اینها ابواب یا فصولی دارند. یا هیچ ترتیبی ندارند؟
- شفاء الصدور. در چه چیزی بحث کرده؟
- و هر چنین: رفیع الدرجات. در چه موضوع است؟
- وادی ایمن. فقط همان حرف الفش موجود است یا بقیه حروف را هم نوشته؟ اگر میسر شد. یکصد و بیست و چهار اسم یا بیشتر که آنها را ترجمه کرده. هر اسمی به قدر نیم سطر، مجرد اسم و نسب یا لقب و بلد و تاریخ زندگی یا فوت نوشته شود. بسیار ممنون می شوم.
- تحفة النجفیه. سه قسم یا چهار قسم موجودات که ذکر می کنند چیست؟ از کتب کلام است. یا حکمت است. یا غیر اینها؟

• دَر الشّیمن آقا سید علی اصغر. نسب مؤلف و تاریخ او را مرقوم دارید. اوثق الوسائل او در چه موضوع است؟ فارسی است یا عربی؟

- مجموعه که برای انتفاع اولاد نوشته شده یا چمن عشاق. هیچ نوع تاریخی در هیچ جای آنها نوشته نیست که معلوم شود کتاب در چه تاریخ وجود داشته یا نه؟
- قریب هفتاد مقاله که برای مرحوم جدّ مرقوم داشته‌اید. اینها همه در جمع در مجلد شده یا متفرّق اند؟ مقدار

۶. نامه سید احمد جزایری (سید آقا)

۳ جمادی الأولى سنه ۱۳۵۸

هوالمحافظ

جناب مستطاب سرکار شریعتمدار، شمس الواعظین،
بدرالمحافظین، آقا شیخ محمد مهدی شرف الدین -
دام تأییده - مطالعه فرماید. ان شاء الله.

مقصود اصلی، صحت و سلامتی مزاج شریف و
متعلقین است. چنانچه جویای حالات باشید،
بحمدالله نعمت حیات و صحت و سلامت و دعا
و زیارت باقی و برقرار، مکروهی جز مفارقت نیست
که بسیاری نمایند. امید از ربّ مجید که بدل
به مواصلت شود. دراین مشاهد شریفه عاجلاً سریعاً
علی أحسن الأحوال مع بند میزان.

باری، خط شریف زیارت شد. چون مجعلاً مشتمل
بود بر سلامتی، موجب مسرت شد، و چون مصحوب
آن خط نورچشی آقا سید محمد علی بود که
مشتمل بود بر رسیدن کتب، موجب اطمینان قلب
و تشکر گردید. همیشه اوقات، مسرور و مطمئن
القلب بوده باشید.

و اجازه که درجوف بود - مع سلام - رسانیدم به
جناب آقا شیخ آقا بزرگ، که همیشه جویای حالات،
والحال سلام رسان می باشند. و ورقه ای که متصل
به این ورقه است که متعلق است به نورچشی
سید محمد علی، مرحمت فرموده به او برسانید. و
عرض سلام خدمت رفقا و اصداقاء، هر کدام علی

ارضی و سماوی محفوظ بوده باشید. و اگر از راه لطف
و مرحمت جویای احوال ما باشید، بحمد الله و المنة،
سلامتی حاصل است و به دعا گویی اشتغال داریم.
ملالی نیست سواي دوری و محرومی از فیض خدمت.
امید این دوری مبذل به وصال گردد. آمین.

باری، رقیمة مبارک زیارت شد و بسیار از الطاف جناب
عالی مسرور شدیم. بلی، سزای بزرگی همین است که
در فکر زیردستان بوده باشد. نامه نامی شما در سرمن
رآی رسید، در روزی که حضرت حجة الاسلام آقای
هبة الدین مراجعت فرمودند، از سامره برای بغداد، به
تاریخ ۲۲ ربیع الثانی. سلام شما را به ایشان رسانده،
فرمودند: در مکتوب سلام من هم برسانید. یک روز
در سامره بیشتر نبودند.

اما مطبوع تازه از تألیف ایشان هنوز نشد، ولی
معلوم است تصانیف حجة الاسلام بسیار
می باشد. از مطبوعات تألیف ایشان، هر کدام ندارید
[بفرمایید] تا تقدیم داریم. ولی خطر الاثیف که در
تریاک است، خلاص شده، امید است طبع شده و
تقدیم داریم. اگر انجا هم کسی پیدا شود برای
طبع بعضی تصانیف دیگر، ممکن است مساعده با او.
زیاد جسارت نخواهم کرد.

المخلص سید عبدالرضا کمال الدین المرعشی
الشهیر بشهرستانی. امضا: عبدالرضا المحسینی.
آدرس: کربلا، درب سدره، عبدالرضا شهرستانی.

اثرات باقی است، وان شاء الله به یمن دعای سرکار آن هم رفع می شود. و این کسالت سبب بود که فقط به مباحثات واجوبه مسائل و نحو ذلک می پرداختم، و بسیاری از مرقومات آقایان _ تشکر گویم از آنها _ به تأخیر افتاد. و منها، مرقومه حضرت عالی بود. و معذرت می طلبم.

والدی مثلک بیاح طلبه و یقبل عذر من اعتذر. اجازه را نوشتم، و اینک جوفاً رسول می دارم، ان شاء الله. مطالعه می فرمایید و چنانچه خللی دیدید، اصلاح نمایید. و اگر خصوصیت آخری منظور بدارید، اعلام فرمایید. و طلسم مرحمتی را، هنوز اقدام ننموده ام، و چنانچه در اعمال طلسمات اجازه لازم باشد، میل دارم اجازه بنویسید، و احتیاطاً تاکنون اجازه از بعضی گرفته ام. اگر مانعی ندارید، سرکار هم اجازه بدهید. کما این که اگر ظفر یافتید به چنین نوشته ای که فایده آن اعم باشد به این معنی که این طلسم چنانچه نوشته اید برای دانستن مال کار است، اگر یافت شد طلسمی یا غیر آن یک نوشته ای و یا دستوری سهل اقدام برای این شخص در خواب، از مجهولات سؤال نماید و جواب دهند.

مثلاً: می خواهد بداند چه عملی مفید برای نورانیت قلب و مناسب حال شخص است، یا مثلاً فلان کتاب در کجاست، الی غیر ذلک از مجهولات که طالب دانستن آنهاست.

حسب مرتبه، برسد، سیما اشخاصی که جویای حال داعی هستند.

زیاده، زیاده است. صحیح.

احمد بن الحسین الموسوی الشوشتری الجزایری [به] سید آقا.



۷. نامه آیه الله سید محمد هادی میلانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت شوشتر: مستطاب ملاذ الانام، ذخر الایام، قدوة المحدثین العظام، غیاث الاسلام، آقای حاج شیخ محمد مهدی شرف الدین (دامت برکاته). تسلیم و تحیت مخصوص و ... و خلوص معروض می دارم. و به استمرار نعمت آن وجود مبارک _ وانه ممّا ینفع الناس فیمکث فی الارض _ امیدوارم. مرقومه شریفه در موقع خود زیارت گردید، و بسی مشعوف گشتم، و اظهار مودّت و مرحمت عالی را تقدیر نموده و شکر گزارم، و از درگاه متعال مسئلت می نمایم اسباب فراهم آید و اسفار عدیده شرفیاب به این عتبات مقدّسه شوید، و مفصلاً ملاقات حاصل گردد.

تأخیرم در عریضه نگاری، مقداری مستند به کسالت مزاج شد که در اثر نزله و زکام شدید تب و غیر ذلک عارض بود، و اینک مرتفع گشته ولی بعض

ایضاً اگر بعض فوائد و زوائدی که ممنوع از تعلیم آن نیستید، طالبم، تعلیم فرمایید. ولکم الشکر سلفاً. دُمت و دامت برکاتکم و مکر ماتکم، والسلام علیکم ورحمة الله.

الأخقر محمد هادی الحسینی المیلانی.
و آقایان محترمان آقا سید ابراهیم علم الهدی سبزواری و آقا سید محسن کشمیری، از بعد آن شب مکرراً ذکر خیر جنابعالی را می‌نمایند، و تسلیم و تحیت دارند.



۸. نامه شیخ محمد صالح حائری مازندرانی

۱۷ ذی حجه ۱۴۰۷ [۱۳]

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای آقا شیخ محمد مهدی شرف‌الدین (دامت برکاته) رسید اجازه را مرقوم فرمایید و خدمت آقای آل طیب (طیب الله أنفاسه القدسیة و وقاه من الآفات الجنیة والإنسیة) به عرض سلام و اخلاص غائبانه مصدع. آقای صدرزاده (سَلَّمَ الله صدره السليم) را دعا گو و مخلص است. ان شاء الله کسالتشان بکلی مرتفع گشته.

از حضرت حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمد کاظم (دامت افاضاته) چیزی به نظر نرسید. ان شاء الله سلامت هستند. به نظرم به عنوان ایشان، یک نسخه میبکهد و یک نسخه میانک توسط آقای صدرزاده تقدیم شده بود.

فعلاً دریادم نمانده، شاید من در اشتباه باشم. به هر

حال از عموم آقایان و اهل فضل التماس دعا دارم. ضمناً زحمت می‌دهد، در حدود پنجاه سال قبل، صدیقی داشتم دزفولی به نام سید عبدالحسین که از علما و اتقیا بود، مدتی با هم مذاکرات علمی داشتیم، و یک چشم ایشان مؤوف بود. آیا ایشان حیات دارند، و کجا تشریف دارند؟ اگر ممکن است از سلامتی و حالات ایشان آگاهم فرمایید. دیگر آنکه مرحوم آقا سید رضای شوشتری که مقیم نجف بود و تألیفی در فقه به نام ایشان معروف بود به عنوان فواکه، اگر طبع شده یا نسخه‌ای رو نوشت از آن ممکن است، تهیه فرمایید و بفرستید. ثم السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

الأقل محمد صالح حائری علامه.

[illegible]



مکتب
الاسلام

در
مکتب

جناب ملاذالانوار ثقه الاسلام سید محمد حسن شرف الدین

اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ملایق ذریع شریف و تعلیقیه از حضرت اجتهاد
مینیایه تعلیقیه شریفه پس از انتظارهای زیاد زیادت در واسطه بهار و تابستان
در عرض و بر شد اجازت بدایت از انشاء اصطلاحات و عرف اسلام مخصوص
نیز شمارش اینده بنابر قصیده غریبه از مولی که در این کتاب
مجتهدان را میفرستد ظاهر و او شریف است علیای خیر و عدا الله ما جبهه را
بعضی سلام و معذرت جناب (تایید) محسن را بعضی خلوه و معذرت
چهار نفران کلانتر بر اثر سید و کلانتر ذریعده و وقت و جهر بر این باب است
جناب را حاج سید محمد حکیم در فرزند بر این کتاب که در این کتاب
آقا حاج میرزا محمد نصر الدین در معطل برسد - معذرت فرموده خط
حرفه ایم آقا غریبه را که در بعضی جهر بر این کتاب که در این کتاب
در فاجعه اضرامات فاشقه را تقیم ادا در مظان را از معتمد مصطفی البریلان

في الارض الماضية والقرون الخالصة وحقير لكان غي لودم که از ناحیه ایران
 تا حال ابداً مساعد نمی شود بک فاس احکام ارسال نکرده
 حتی حاج عبدالرزاق بخیر که بواسطه حفرت علما ائمه متذلل حفر
 و بناء شد که سعی فرمایند هم تا حال که غه شعبت شکسته است
 ابداً جواب نیامده و خبر از آن ناحیه نشد غی دایم چه کنم با این حمل و نقل
 چهار سنگین و قروض زیاد و دیگر بقیه از خدوائه صدر و سرکار عالی
 نوی ندارم منتظر الله الفرج و سبب دیگر در تاجیه که علت نامه است
 ارسال اجازه همه الکلام افاس لایزال هادک خراسان حاضر می بوده باشد
 منتظر شدم تا برای بنی رجب بلیزید و مشرف شدم و اجازه را ضبط نمود
 لکنم و جوقاً ارسال حضور نمودم بار بار در خانه او اصرار حاضر هستم
 ادام الله ابایم و السلام نه علم منتظر جواب هستم و بیضا جوف را
 خدمت افاس همه الکلام افاس اسید محمد حسن آن طیب دامت برکاته
 رحمت فرماید بر سیدم بعضی از ملازمین حضور الایحکام کرد
 المکرم الایضاً
 عن محمد علی عفی عنه

صفت حادہذاں از حدیث ائمہ علیہ السلام

مستور

[illegible]

